



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

خداوند متعال را شکر می کنیم که دوباره توفیق اشتغال علمی را برای ما فراهم ساخت.

یکی از موضوعات مهم در کتب فقهی ترتیب مسائل و موضوعات فقهی می باشد، محقق در شرایع که یکی از منابع مهم فقهی ماست در مورد ترتیب مباحث در شرایع فرموده ما در چهار قسمت بحث می کنیم:

القسم الاول العبادات و هی عشرة مثل صلاة و صوم و حتی امر به معروف و نهی از منکر و جهاد.

القسم الثاني فی العقود که پانزده مورد در عقود ذکر کرده مثل بیع و اجاره و نکاح و رهن و

القسم الثالث فی الايقاعات که تقریباً دوازده مورد برایش ذکر کرده مثل عتق و طلاق و امثال ذلک.

القسم الرابع احکام صید و ذباجة و ارث و حدود و دیات و

و اما بحثمان در این بود که آیا وقف از عقود است و ایجاب و قبول نیاز دارد؟ و به قال صاحب الجواهر و صاحب الریاض و صاحب جامع المقاصد، یا اینکه از ایقاعات است و قبول نیاز ندارد، و به قال صاحب العروة و الامام الحمینی رضوان الله علیهما و عده ای نیز تفصیل دادند و گفتند در وقف خاص قبول لازم است اما در وقف عام قبول نیاز ندارد.

در اینجا اختلاف بزرگی وجود دارد و ما گفتیم که با مراجعه به أدله نظر امام رضوان الله علیه (وقف از ایقاعات است و قبول لازم ندارد) درست می باشد، البته بحث به اینجا بر می گردد که ما باید به أدله رجوع کنیم که خب اگر مانند باب بیع دلیل اجتهادی مثل "أحل الله البيع" و "أوفوا بالعقود" و امثالهما داشته باشیم باید ببینیم ظواهر أدله ای

که داریم چه اقتضائی دارند و اصلاً وقف از عقود است یا ایقاعات، خلاصه ما گفتیم که علاوه بر أدله اجتهادیه، سیره و ارتکاز متشرعه نیز اینطور است که وقتی کسی چیزی را وقف می کند دیگر به دنبال اینکه کسی وقفش را قبول کند و یا حاکم شرع آن را قبول کند نمی باشد لذا در سیره و ارتکاز متشرعه وقف از ایقاعات می باشد یعنی احتیاج به قبول ندارد و امام رضوان الله علیه نیز همین را اختیار کرده است.

صاحب شرایع بحث وقف را چهار قسم کرده است:

اول اینکه وقف به چه چیزی محقق می شود؟ آیا انشاء لفظی لازم است یا معاطاة نیز کافی است؟ آیا نیت لازم دارد یا نه؟ خب در وقف چیزی از ملک انسان خارج و در ملک دیگری وارد می شود لذا شکی نیست که انشاء و نیت نیاز دارد، و بعد اینکه چه لفظی نیاز دارد؟ آیا ماضویت و عربیت معتبر است یا نه؟ ما هستیم و دلیل مثلاً ما از دلیل می فهمیم که بیع یعنی مبادله مال با مال حالا اعم از اینکه لفظش فارسی باشد یا عربی و یا ماضی باشد یا غیر ماضی خلاصه اینکه در اینجا مرجع ما مطلقات و أدله می باشد که باید از آنها شرایط تحقق وقف را استنباط کنیم.

دوم اینکه واقف چه کسی باید باشد؟ واقف باید عاقل و بالغ و مالک آن مال باشد.

سوم اینکه موقوف باید عین مملوک باشد.

چهارم اینکه موقوف علیه چه کسانی باید باشند؟ که بحثهای مفصلی در موقوف علیه صورت گرفته و بحث فریق نیز مطرح شده یعنی اینکه آیا کسی می تواند مال خودش را برای کفار و بیع (معبد نصاری) و کنائس (معبد یهود) و یا برای صوفیه وقف کند یا نه؟

پنجم اینکه در وقف چند چیز معتبر است:

اول تأبید، یعنی کسی که مالش را وقف می کند إلى الأبد باید وقف کند و اگر بگوید پنجاه سال وقفش صحیح

نیست البته قبلاً عرض کردیم که ما رُقَبی و سُکَنی و عُمَری داریم که در اینها تأیید وجود ندارد و مال نیز غالباً در ملک مالک اصلی باقی می باشد.

دوم تنجیز، یعنی در وقف تعلیق نباید باشد نه تعلیق در انشاء و نه تعلیق در منشاء.

سوم اقباض، یعنی تا قبض و اقباض نیامده وقف محقق نشده و شخص می تواند از وقفش برگردد.

چهارم اخراجہ عن نفسه، یعنی برای خودش نباید سهمی قائل شود مثلاً نگوید وقف کردم برای فقراء و خودم، این چهار شرط برای وقف بیان شده است که ان شاء الله تعالی ما باید تمام این موارد را مورد بحث و بررسی قرار بدهیم.

یکی از بحثهای مهم دیگری که وجود دارد این است که آیا در وقف قصد قربت معتبر است یا نه؟ امام رضوان الله علیه در تحریر دارد که قصد قربت معتبر نیست، در عبادات قصد قربت لازم است منتهی گفته شده **العبادات بمعنی الأخص والعبادات بمعنی الأعم**، عبادت به معنای اخص آن است که اگر قصد قربت نباشد باطل است مثل نماز و حج و خمس و زکات و... اما بعضی چیزها عبادت نیستند ولی ممکن فيه القصد القربة مثل نکاح به عبارت دیگر عبادت به معنای اعم آن است که قصد قربت در آن لازم نیست و بدون قصد قربت نیز صحیح است ولی اگر باشد ثواب می برد حالا امام رضوان الله علیه می فرمایند در وقف قصد قربت لازم نیست و همچنین صاحب عروة نیز در کتاب وقف می فرماید قصد قربت لازم نیست اما دیگران می فرمایند قصد قربت لازم است.

در اینجا یک بحثی به نظر می رسد که اگر شخصی کافر بود و یا مسلمان بود و قصد قربت نکرد اما برای رفاه بشر کار و خدمت بسیار بزرگی انجام داد مثل ادیسون که با کشف قدرت اتم و برق توانست بسیاری از مشکلات مردم را بر طرف کند تکلیفش چیست؟ آیا عمل اینها در قیامت

پاداشی نخواهد داشت؟ آیت الله مطهری نیز در کتاب عدل الهی این بحث را مطرح کرده است که مراجعه و مطالعه بفرمائید.

بقیه بحث بماند برای فردا ان شاء الله تعالی ...

والحمد لله رب العالمین و صلی الله علی
محمد و آله الطاهیرین